

# مبادی و اصول اجتماعی - عدم مداخله در امور سیاسی

حضرت بهاء الله



## (11) عدم مداخله در امور سیاسی

### عدم مداخله در امور سیاسی وجدانی دین از سیاست

- لیس لأحد أن يعترض على الذين يحكمون على العباد دعوا لهم ما عندهم وتوجهوا إلى القلوب

(حضرت بهاء الله، کتاب اقدس، بند 95)

- لسان قدم در این سخن اعظم میفرماید ای احبای حق از مفازه ضیق نفس و هوی بفضاهای مقدسه احدیه توجه نمائید ابدأ در امور دنیا و ما یتعلق بها و رؤسای ظاهره آن تکلم جائز نه حق جلّ و عزّ مملکت ظاهره را بملوک عنایت فرموده بر احدی جائز نه که ارتکاب نماید امری که مخالف رأی رؤسای مملکت باشد (حضرت بهاء الله، لوح ذبیح)
- آنچه از برای خود خواسته مدائن قلوب عباد بوده و احبای حقّ الیوم بمنزله مفاخر انشاء الله باید کلّ بقوه اسم اعظم آن ابواب را بگشایند. این است نصرت حقّ که در جمیع زبر و الواح از قلم فائق الأصباح جاری شده (حضرت بهاء الله، لوح ذبیح)
- ای احبای الهی باید سریر سلطنت هر تاجدار عادل را خاضع گردید و سده ملوکانه هر شهیار کامل را خاشع شوید. پادشاهان در نهایت صداقت و امانت خدمت نمائید و مطیع و خیرخواه باشید و در امور سیاسی بدون اذن و اجازه از ایشان مداخله نمائید زیرا خیانت با هر پادشاه عادل خیانت با خداست (حضرت عبدالبهاء، الواح وصایا)
- احبای الهی را کاری باختلاف و اتفاق اولیای امور نه ابدأ چنین اذکار را حتی بر زبان نباید برانند. تکلیف احبای الهی اطاعت اوامر و احکام اعلیحضرت پادشاهی است آنچه امر فرماید اطاعت کنند و همچنین کمال تمکین و انقیاد بجمیع اولیای امور داشته باشند. ولی در بین آنان اگر برودتی حاصل چه تعلق باحبای الهی دارد "حافظ وظیفه تو دعا گفتن است و بس". مقصود این است که احبای نباید کلمه‌ای از امور سیاسی بر زبان رانند زیرا تعلق بایشان ندارد بلکه بامور و خدمات خویش مشغول شوند و بس. در فکر آن باشند که بخدا نزدیک شوند و رضای الهی قیام



TABLET

نمائند و سبب راحت و آسایش و سرور و شادمانی عالم انسانی گردند و هر نفسی بخواهد در نزد احبّاء ذکرى از امور حکومت و دولت نماید که فلان چنین گفته و فلان چنین کرده آن شخص که از احبّای الهی است باید در جواب گوید ما را تعلق باین امور نه ما رعیت شهریاری هستیم و در تحت حمایت اعلیحضرت پادشاهی. صلاح و مصلحت خویش خسروان دانند و بس

(حضرت عبدالبهاء، لوح ابن ابهر)

### بهائی حقیقی در سیاست دخالت نمی کند

- نفسی از احبّاء اگر بخواهد در امور سیاسیّه در منزل خویش یا محفل دیگران مذاکره بکند اول بهتر است که نسبت خود را از این امر قطع نماید و جمیع بدانند که تعلق باین امر ندارد خود میدانند (حضرت عبدالبهاء، لوح ابن ابهر)
- میزان بهائی بودن و نبودن این است که هر کسی در امور سیاسیّه مداخله کند و خارج از وظیفه خویش حرفی زند یا حرکتی نماید همین برهان کافیست که بهائی نیست دلیل دیگر نمیخواهد

(حضرت عبدالبهاء، لوح ابن اصدق)

### محافل بهائی مسئول مشورت در مصالح کلیه است و همواره از امور سیاسیّه احتراز نمایند

ابداً در مجلس شور از امور سیاسیّه دم نزنند بلکه جمیع مذاکرات در مصالح کلیّه و جزئیّه اصلاح احوال و تحسین اخلاق و تربیت اطفال و محافظه عموم از جمیع جهات باشند. و اگر چنانچه نفسی بخواهد کلمه ای از تصرّفات حکومت و اعتراضی بر اولیای امور نماید دیگران موافقت نمایند زیرا امرالله را قطعاً تعلق بامور سیاسیّه نبوده و نیست. امور سیاسیّه راجع باولیای امور است چه تعلق بنفوسی دارد که باید در تنظیم حال و اخلاق و تشویق بر کمالات کوشند. باری هیچ نفسی نباید که از تکلیف خود خارج شود (حضرت عبدالبهاء، لوح فرائض محفل شور)

فرد و تشکیلات بهائی به هیچ وجه مستقیم و یا غیر مستقیم